

دکتر محمد امین ریاحی

ورقی از تاریخ تمدن جدید در ایران دستورالعمل نخستین سرشماری در ایران (در ۱۲۷۷ هجری)

آغاز تمدن جدید در ایران، واخذ شیوهٔ کشورداری غریبان داستان دلکشی دارد، که تحقیق دربارهٔ هر گوشه‌ای از آن و شناختن مردانی که در این راه کوشیده‌اند، برای تدوین تاریخ ملت ما ضروری است.

بطوریکه می‌دانیم افکار جدید و برنامه‌های اصلاحی که بدست امیر کبیر آغاز شده بود، در خاموشی و خفقان هفت سالهٔ صدارت میرزا آقاخان نوری کنار گذاشته شد، و از تاریخ عزل نوری در سال ۱۲۷۵ بود که از نو قدمهایی برای رسیدن به آرزوهایی که امیر کبیر برای سعادت ایران و ایرانی داشت برداشته شد.

یکی از طرحهای جدید، جمع‌آوری اطلاعاتی از وضع شهرها و آمار جمعیت آنها بود که در ربع آخر قرن سیزدهم انجام گرفته است. قسمتی از گزارشها و رساله‌هایی که در آن سالها فراهم گردیده، و اینک در هشت مجلد در کتابخانهٔ وزارت دارایی در تهران موجود است (و فهرست دقیقی از آنها به همت دراز آهنگ خستکی ناپذیر ایرج افشار تهیه و در فرهنگ ایران زمین ج ۶ دفتر اول ص ۵ - ۳۸ درج شده) یادگاری از آن کوشش گسترده‌ایست که نخستین سرشماری در ایران باید بحساب آید، و هنوز چنانکه باید اهمیت آن، و قدر خدمت بانیان آن را ندانسته‌ایم.

البته با توجه به وضع و حال آن روزگار (مثل موارد مشابه دیگر)، تصور نباید کرد که در آن سالها از اطلاعات گرد آمده، استفاده‌ای در زمینهٔ طرح برنامه‌های اصلاحی شده باشد، یا حتی کسی ب فکر برخورداری از آنها افتاده باشد. اما همین که در ۱۲۰ سال پیش اینهمه اطلاعات جمع شده، و برای ما مانده خود منتهم است، و کوشش بانیان کار قابل تحسین. از این نکته هم نباید غافل بود که کوششهای بعدی در تألیف تاریخ و جغرافیای محلی شهرها که تا عصر ما کشیده شده نتیجه و دنبالهٔ همین اقدام باید بشمار آید.

دربارهٔ تاریخ آغاز این سرشماری، و نکات مورد نظر در آن چیزی منتشر نشده است. اما جزو مجموعهٔ اسناد خانوادگی که اینک در نوبت تصرف این جانب است نامه‌ایست که می‌تواند نکات تاریکی را روشن نماید.

این سند تاریخ ربیع الثانی ۱۲۷۷ هجری قمری را دارد، و قسمت اول آن نامه‌ایست بخط محمد رحیم میرزا ضیاءالدوله حاکم خوی، نوزدهمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه، به محمد زمان خان دنبلی از رجال عصر ناصری (پسر حاجی علی پاشا خان)، و قسمت اخیر آن عین

دستورالعملی است که از تهران بحکام شهرها صادر شده بوده است. و ممکن است نسخه‌های مشابه آن که بشهرهای مختلف فرستاده شده در مجموعه‌های دیگر پیدا شود و احتمالاً در روزنامه و قایم-اتفاقیه (که از همان سال به «روزنامه دولت علیه ایران» تغییر نام یافته بوده است) نیز انعکاسی از آن باقی مانده باشد.

این دستورالعمل مسائل مورد نظر حکومت را در آن سرشماری روشن میکند. و چند نکته از آن شایان توجه است: یکی اینکه ذکر اسامی «نفوس اثاث» را لازم ندیده‌اند، و تعداد زنان و دختر بچگان و سن و سال آنها را کافی شمرده‌اند. و این اعتقاد یا احتیاط بملاحظه طرز فکر مردم آن روز ایران طبیعی بوده است. دیگر لزوم این نکته بوده «که در هر جائی چه شکار بهم می‌رسد» این هم بخاطر هوی و هوس خوشگذرانان و بینمان روزگار، و به منظور برآوردن نیاز آنان به تفریح و شکار.

در اینجا این سؤال به ذهن می‌رسد که: طرح فکر نخستین سرشماری و تنظیم این دستورالعمل از که بوده است؟

به نظر من، تاریخ سند و قرینه‌های دیگر می‌رساند که این افتخار را باید نصیب علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه دانست که در ۱۲۷۵ بمنوان نخستین وزیر علوم انتخاب شد، و پایه آن وزارت را گذاشت، و با روشن بینی و دانشی که داشت، و در ادامه نوآوری‌های امیر کبیر، و تأثیر دارالفنون، و تعلیمات مصلحان خارجی آن، و اطلاعاتی که جسته و گریخته از شیوه ملکه‌داری فرنگیان به ایران می‌رسید این اقدام تازه را آغاز کرد، و این فعالیت لااقل بیست و پنج سال ادامه یافت، و ثمره این بذر و نهال را محمد حسن خان اعتضاد السلطنه وزیر زرنگه انطباعات چید که چهارمجلد مرآت البلدان خود را (از حرف الف تاج) بر پایه همان گزارش‌های رسیده از شهرها بنا نهاد.

اینک متن سند:

عالیجاه محمد زمان خان

حسب الامر قدر قدر پادشاه جمیاه روحنا فداه مقرر است که تعداد سن با حرفت اهل خوی معین شود. از جمله خنجر خان است که متعلق به شماس است. و بموجبی که در ذیل دستخط مرقوم است آدمی روانه دارید، برود صورت صحیح مهور نوشته پنجروزه آورده بنظر سرکار والا برسانند و در عهده شناسند. فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷

در هر شهر، و در هر بلوکی دو دفتر ترتیب دهند: یکی دفتر حیات، و یکی دفتر ممات.

نفوس را کلا بشمارند، و در دفتر حیات اسم به اسم بنویسند.

آنچه نفوس ذکور است، اعم از بالغ و نابالغ، مرد و بچه همه را خانه به خانه، با تعیین اسم بنویسند، و سال آنها را معین کنند.

آنچه نفوس اناث است، لازم نیست اسامی آنها . ولی عده آنها از زن و دختر و بچه باتعیین سال معین شود.

غریب و بومی هر بلدی باید معین شود ، باتعیین کار و پیشه و کسب ، اعم از زارع و کسبه و سر باز و نو کر باب .

هرده و بلدی باید معین شود که از حیوانات چه به عمل می آید؟ و آب آن بلد از رودخانه است ، یا قنوات ؟ باغ در آنجا دارند یا ندارند ؟

یاید معین شود که در هر جائی چه شکار بهم می رسد ؟

باید معین شود که در هر جائی ، از قلعه چه موجود است ؟ خراب است ، یا آباد است ؟

باید معین شود که در هر جا از معادن چه موجود است ؟

باید معین شود که هرده و هر بلدی در جلگه واقع است ، یا در کوهستان ؟

باید معین شود اهل شهر و هر بلدی چه تجارت دارند ؟ و چه متاع در آنجا بعمل می آید ،

و چه متاع در آنجا زیاد بفروش می رسد ؟

باید حالت هر جائی و اهل هر بلدی معین شود ، که به چه کار زیاد مایلند ؟ به کاسبی و

رعیتی میل مفرط دارند ، یا به نوگری و سر بازی ؟

سال به سال هر قدر از مردم بمیرند ، در دفتر ممات اسم به اسم نوشته شود ، و هر قدر

متولد می شود به تفصیلی که نوشته شد در دفتر حیات قلمی دارند . صورت از دو دفتر روانه

تبریز شود ، و صورتی هم در مقام حکمرانی بماند .

جمع کاروانسراها ، و رودخانهها ، و بیشهها باید نوشته شود .

اسامی کوههای معروف و مشهور باید نوشته شود .

باید معین شود به سطح هر راهی به چه منوال ممکن است که عرابه و کالسکه در همه جا

عبور نماید ؟ آیا راهها هموار است ، یا ناهموار ؟ کوه دارد ، یا ندارد ؟ پل در سر رودخانهها

لازم است ، یا لازم نیست ؟

اعتدال و عدم اعتدال هوای هر جائی را به تفصیل بنویسند .

باید بنویسند که اهل هر بلدی به چه زبان تکلم می نمایند .

از باب علوم را به تفصیل بنویسند که فقیه و حکمی و سایر ، در هر جائی چه

اشخاصی می باشند ؟



تاریخ اول شهریور ماه ۱۲۷۷

روز جمعه پنجم ماه شهریور

روز شنبه ششم ماه شهریور

روز یکشنبه هفتم ماه شهریور

روز دوشنبه هشتم ماه شهریور

روز سه شنبه نهم ماه شهریور

روز چهارشنبه دهم ماه شهریور

۱۲۷۷

در روز چهارشنبه در وقت صبح در شهر تبریز در محله کهنه در نزدیکی مسجد جامع تبریز در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

در روز پنجشنبه در وقت صبح در شهر تبریز در محله کهنه در نزدیکی مسجد جامع تبریز در وقت صبح در وقت صبح

در روز شنبه در وقت صبح در شهر تبریز در محله کهنه در نزدیکی مسجد جامع تبریز در وقت صبح در وقت صبح

در روز یکشنبه در وقت صبح در شهر تبریز در محله کهنه در نزدیکی مسجد جامع تبریز در وقت صبح در وقت صبح

در روز دوشنبه در وقت صبح در شهر تبریز در محله کهنه در نزدیکی مسجد جامع تبریز در وقت صبح در وقت صبح

در روز سه شنبه در وقت صبح در شهر تبریز در محله کهنه در نزدیکی مسجد جامع تبریز در وقت صبح در وقت صبح

در روز چهارشنبه در وقت صبح در شهر تبریز در محله کهنه در نزدیکی مسجد جامع تبریز در وقت صبح در وقت صبح